

بررسی و مقایسه نظریه همسان همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی

غلامرضا رجبی^۱

دانشیار روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز

باب اله بخشی پور

استادیار مشاوره، دانشگاه پیام نور، مرکز ساری

قدرت اله عباسی

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران، اهواز

پذیرش: ۹۲/۱/۲۵

دریافت: ۹۱/۹/۱۸

چکیده

هدف: انتخاب همسر در دنیا یکی از مهمترین تصمیم‌هایی است که اکثر افراد حداقل یکبار در زندگی‌شان می‌گیرند. این تحقیق با هدف بررسی نظریه همسان همسری در بین دانشجویان انجام گرفته است.

روش: تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. ۲۰۷ دانشجویان از بین دانشجویان دانشگاه پیام نور ساری به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های شخصیتی نئو (NEO-FFI-SELF) و شخصیتی شریک ایده‌ال (NEO-FFI-IDEAL) را تکمیل نمودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t-test و با استفاده از SPSS=۱۶ انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که افراد تمایل دارند شریک‌شان را مشابه با ویژگی‌های شخصیتی خود و با توجه به پنج بعد شخصیتی (روان رنجورخویی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق‌پذیری و وجدانی بودن) انتخاب کنند. یافته دیگر این بود که بین

دختران و پسران در انتخاب شریک ایده‌آل مشابه با خود تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، دختران پرونگراتر، توافقی‌تر و وجدانی‌تر و پسران روان‌رنجورترند. **نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها از نظریه همسان‌همسری در انتخاب همسر حمایت می‌کنند.

واژگان کلیدی: همسان‌همسری، انتخاب همسر، سنخ‌های شخصیتی.

مقدمه

یکی از مهمترین مراحل که نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت خانواده دارد، مرحله انتخاب همسر^۱ است. در سراسر جهان، انتخاب همسر مهمترین تصمیمی است که اکثر انسان‌ها حداقل یک بار در زندگی‌شان می‌گیرند. این امر توجه روانشناسان اجتماعی، روانشناسان شخصیت، زیست‌شناسان تکاملی، جامعه‌شناسان و دیگران را به خود جلب کرده است. این محققان تلاش کرده‌اند معیارهایی را که مردان و زنان در انتخاب شریک به کار می‌برند، شناسایی کنند (خالدا،^۲ ۲۰۰۵). زیرا ملاک‌های صحیح همسرگزینی و انتخاب درست می‌تواند احتمال وقوع طلاق را پیش‌بینی نماید (یوسفی و باقریان،^۳ ۱۳۹۰). از این رو، انتخاب همسر به عنوان اولین قدم در تشکیل خانواده به حساب می‌آید که به عنوان فرایند انتخاب فرد دیگری از جنس مخالف تعریف می‌شود (یونیس^۳، ۲۰۰۸).

در مورد انتخاب همسر و مسائل مربوط به آن نظریه‌های زیادی وجود دارد. در میان تحقیقات گسترده‌ای که در رابطه با اولویت‌های انتخاب همسر انجام شده است، نظریه‌های مختلف نشان می‌دهند که انتخاب همسر بر مبنای عوامل مختلفی صورت می‌گیرد. جامعه‌شناسان و روانشناسان براساس نظریه مبادله اجتماعی به تأثیر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در فرایند انتخاب همسر اشاره می‌کنند و معتقدند که راهبردهای انتخاب همسر از تقابل موقعیت‌های اجتماعی که مردان و زنان به طور تاریخی در جامعه پذیرفته‌اند، حاصل می‌شود (شوماک^۴، ۲۰۰۷). در مقابل، زیست‌شناسان تکاملی نظریه سرمایه‌گذاری والدینی را مطرح کرده و پیش‌بینی می‌کنند که تفاوت‌های جنسی نسبتاً پایداری در اولویت‌های همسرگزینی وجود دارد. برای مثال، این نظریه پردازان معتقدند که برای مردان ویژگی‌های پیش‌بینی‌کننده باروری و برای زنان ویژگی‌های پیش‌بینی‌کننده منابع قابل دسترس اهمیت دارد (گوستاوسون،

1. Mate Selection
2. Khallad
3. Unis
4. Shoemak

جانسون و یولر^۱، ۲۰۰۸). زنان معمولاً شریک مسن تری را جستجو می‌کنند در حالی که، مردان مانند گونه‌های جنسی دیگر، شریک‌شان را براساس نشانه‌های مرتبط با باروری مانند جوانی، سلامتی و جذابیت فیزیکی انتخاب می‌کنند (روسو و بنسیس^۲، ۲۰۰۷، فورنهام^۳، ۲۰۰۹).

در این زمینه که افراد چه کسی را به عنوان همسر انتخاب می‌کنند، سال‌هاست که روانشناسان در پی پاسخگویی به این سؤال هستند که آیا افراد شبیه به هم جذب یکدیگر می‌شوند (پرنندگان همجنس با هم پرواز می‌کنند) و یا متضادها همدیگر را جذب می‌کنند. در تلاش برای پاسخگویی به این سؤال که به طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است دو نتیجه کلی از تحقیقات به دست آمده‌اند. در مجموع شواهد با ثباتی در مورد جذب افراد مشابه با یکدیگر و شواهد خیلی کمی در مورد جذب متضادها به یکدیگر وجود دارد (لو و کلوهن^۴، ۲۰۰۵). تحقیقات در زمینه ازدواج و رضایت زناشویی موفق نیز نشان می‌دهد که همسان همسری با مطلوبیت روابط زناشویی ارتباط دارد و افرادی که الگوی ازدواج همسان همسری زبانی، مذهبی و مکانی را تجربه می‌کنند نسبت به افرادی که الگوی ناهمسان همسری زبانی، مذهبی و مکانی را تجربه می‌کنند، سطح رضایت زناشویی بالاتری دارند (سحابی، خانی و خانی، ۱۳۹۲). در همین زمینه، تحقیق عارفی، محسن زاده، قزلباشیان، صادقپور، شیخ اسمعیلی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد افراد هنگامی در زندگی زناشویی احساس رضایت دارند که نیمرخ شخصیتی مشابه با همسرشان داشته باشند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی عامل مؤثری که نقش مهمی در انتخاب همسر دارد، همسان همسری^۵ می‌باشد. این اصل از سوی کارشناسان مسائل خانواده در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد توجه و اهمیت قرار گرفته و به عنوان معیار عام‌گزینش همسر در جوامع گوناگون مطرح است (باقی نصرآبادی، ۱۳۷۸). همسان همسری، گرایش به انتخاب فردی

1. Gustavsson, Johnsson, & Uller
2. Rusu, & Bencic
3. Furnham
4. Luo, & Klohn
5. Homogamy

مشابه با خود به عنوان همسر بوده و بر مبنای ویژگی‌های متعددی از جمله جایگاه اجتماعی - اقتصادی، زمینه قومی، نگرش‌های اجتماعی، جذابیت، عوامل شخصیتی، تحصیلات و هوش می‌باشد (لوکاس، وندورف، ایماموقلو، شهن، پاراخیل و همکاران^۱، ۲۰۰۴؛ اسکوریال و مارتین - بورو^۲، ۲۰۱۲)

مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که انواع همسان همسری به ویژه در مورد ویژگی‌هایی مانند زبان، مذهب، مکان، نگرش، هوش، جذابیت فیزیکی و غیره صورت گرفته و تحقیقات ناچیزی در مورد همسان همسری بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی شریک ایده‌آل انجام شده است. نتایج تحقیقات در مورد ویژگی‌های شخصیتی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی، شکست یا موفقیت در روابط زناشویی را پیش بینی می‌کند (زارعی محمود آبادی، ۱۳۹۱) و در تبیین کیفیت رابطه زناشویی، عامل عمومی شخصیت سهم ویژه‌ای دارد (نیلروشان، احمدی، فاتحی‌زاده، عابدی و قاسمی، ۱۳۹۳). همسان همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی یکی از انواع همسان همسری می‌باشد که نقش مهمی در انتخاب همسر ایفا می‌کند. همسان همسری مطابق با ویژگی‌های شخصیتی دو نوع فرض می‌شود: ۱- همسان همسری مثبت^۳ (نظریه تشابه) و ۲- همسان همسری منفی^۴ یا ناهمسان همسری (نظریه مکمل) (فیگوردو، سفسک و جونز^۵، ۲۰۰۶).

بر مبنای همسان همسری مثبت افراد جذب فردی با ویژگی‌های شخصیتی مشابه با خود می‌شوند (فیگوردو و همکاران، ۲۰۰۶) و کسی را انتخاب می‌کنند که شبیه به خودشان باشد. شباهت بین دو فرد نشان می‌دهد که یک همبستگی مثبت و معناداری بین دو شریک روی یک ویژگی مشابه وجود دارد (واتسون، کلوهنن، کاسیلاس، نوس سیموس، هایگ و همکاران^۶،

1. Lucas, Wendorf, Imamoglu, Shen, Parkhill, et al
2. Escorial, & Martín Buro
3. Negativeassortative Mating
4. Complementary Needs
5. Figueredo, Sefcek, & Jones
6. Watson, Casillas, Nus Simms, Haig, et al

۲۰۰۴). بنابراین جای تعجب نخواهد بود که شباهت براساس ویژگی‌های شخصیتی پیش بین کننده مهمی برای رضایت زناشویی شرکاء نیز باشد (لو و کلوهنن، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، بر مبنای همسان همسری منفی افراد جذب فردی با ویژگی‌های شخصیتی متضاد با خود می‌شوند (فیگوردو و همکاران، ۲۰۰۶). مکملیت بین دو فرد نشان می‌دهد که یک همبستگی منفی و معناداری بین دو شریک بر روی یک ویژگی مشابه وجود دارد (واتسون و همکاران، ۲۰۰۴). به این دلیل افراد مکمل همدیگر را جذب می‌کنند که احتمالاً تمایل دارند نیازهای رضایت بخش همدیگر را افزایش دهند. برای مثال، زنان جوانی که دارای منابع اقتصادی کمتری هستند ممکن است جذب افراد با سن بالاتری شوند که دارای منابع اقتصادی هستند (ایگلی و وود^۱، ۱۹۹۹).
 رام استیدت و اسکاپ^۲ (۲۰۰۸) نشان دادند که در بین زوج‌ها ابعاد شخصیتی برونگرایی^۳ و ثبات عاطفی همخوانی کمی و در سنخ‌های توافق پذیری^۴، وجدانی بودن^۵ و گشودگی^۶ درجه بالایی از همخوانی وجود دارد. واتسون و همکاران (۲۰۰۴) شواهدی از همسان همسری را برای سنخ‌های شخصیتی روان رنجوری^۷، گشودگی و توافق پذیری به دست آورده‌اند. فیگوردو و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد و شریک ایده‌آل آن‌ها همبستگی مثبت وجود دارد و ضمناً افراد به دنبال همسر یا شریکی هستند که مشابه با خودشان باشد، و آن‌ها به دنبال شریکی هستند که بیشتر وجدانی، برونگرا و توافق پذیر و کمتر روان رنجور باشد.

دیجکسترا و بارلدس^۸ (۲۰۰۸) دریافتند که افراد به شریکی تمایل دارند که از نظر ویژگی‌های شخصیتی مشابه با آن‌ها باشد. از سوی دیگر، وقتی از افراد خواسته شد تا معیارهای

-
1. Eagly, & Wood
 2. Rammstedt, & Schupp
 3. Extraversion
 4. Conscientiousness
 5. Agreeableness
 6. Openness
 7. Neuroticism
 8. Dijkstra, & Barelds

انتخاب همسر را به طور کلی مشخص کنند آن‌ها تمایل به شریک مکمل بودند تا شریک مشابه با خود. همچنین زنان در مقایسه با مردان به شریکی گرایش داشتند که بیشتر وجدانی و برونگرا و کمتر روان رنجور باشد. بوتوین، باس و شاکلفورد^۱ (۱۹۹۷) مشاهده کردند که افراد شریکی را ترجیح می‌دهند که ویژگی‌های شخصیتی مشابه با خودشان داشته باشد. این محققان دریافتند که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد و شریک شان در پنج بعد شخصیتی رابطه مثبت وجود دارد. اکثر تحقیقات در زمینه همسان همسری بر روی افراد متأهل انجام شده و تحقیقات کمی بر روی افراد مجرد و تمایل‌شان به همسان همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی قبل از ازدواج صورت گرفته است، و بسیاری از برنامه‌های پیشگیری تلاش کرده‌اند تا روند ناسازگاری و میزان طلاق را با تمرکز بر روی جامعه و افراد در معرض خطر تغییر دهند. لذا توجه این پژوهش بر روی افراد مجرد و تمایل آن‌ها به انتخاب شریک ایده‌آل بر اساس ویژگی‌های شخصیتی بود چرا که بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد مجرد این امکان را فراهم می‌کند بتوانیم اطلاعات با ارزشی را در جهت پیش بینی مشکلات زناشویی‌شان به دست بیاوریم. این مطالعه به دو سؤال زیر پاسخ می‌دهد: ۱- آیا بین ویژگی‌های شخصیتی خود با ویژگی‌های شخصیتی شریک ایده‌آل رابطه وجود دارد؟ و ۲- آیا بین دانشجویان دختر و پسر در تمایل به انتخاب شریک ایده‌آل در سنخ‌های شخصیتی روان رنجوری، برونگرایی، توافق پذیری و وجدانی تفاوت وجود دارد؟

روش

این پژوهش، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی (همبستگی و علی-مقایسه‌ای) است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر و پسر رشته‌های مختلف دوره کارشناسی در دانشگاه پیام نور ساری بودند. ۲۰۷ دانشجوی کارشناسی رشته‌های مختلف این دانشگاه به روش نمونه‌گیری

1. Botwin, Buss, & Shackelford

تصادفی چندمرحله‌ای براساس جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) برگزیده شدند. بدین ترتیب که ابتدا از میان هفت ساختمان آموزشی چهار ساختمان (روzbهان، پانزده خرداد، علمی-کاربردی و نهضت) و در مرحله بعد براساس رشته‌های تحصیلی، چهار رشته (ادبیات، ریاضی، علوم تربیتی و کامپیوتر) انتخاب شدند که از این تعداد ۵۲ پسر (۲۵٪) و ۱۵۵ دختر (۷۵٪) در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۴ سال با میانگین سنی ۲۱/۴۵ و انحراف معیار ۲/۶۹ بودند.

ابزارها: برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از دو ابزار زیر استفاده شده است:

۱- پرسشنامه شخصیتی نئو. کاستا و مک کری^۲ (۱۹۹۲) پرسشنامه شخصیتی نئو-NEO-FFI را برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد تدوین نموده‌اند، که پنج بعد بزرگ شخصیتی (روان رنجوری، برونگرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وجدانی بودن) را اندازه‌گیری می‌کند. در این پرسشنامه هر پنج خرده‌مقیاس دارای ۱۲ پرسش است و پاسخ به هر یک از پرسش‌ها به صورت لیکرتی از ۱ (قویاً مخالف) تا ۵ (قویاً موافق) می‌باشد. نمره هر خرده‌مقیاس از جمع ۱۲ پرسش به دست می‌آید. در این پژوهش، از فرم کوتاه ۶۰ سؤالی (گروسی، ۱۳۸۰، به نقل از اردلان، نظری و نصیری، ۱۳۹۱) استفاده شد. فیگوردو و همکاران (۲۰۰۶) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این ابزار را از ۰/۷۳ تا ۰/۸۷؛ روشن چلسی، شعیری، عطری فر، نیکخواه، قائم مقامی و همکاران (۱۳۸۵) از ۰/۳۵ تا ۰/۸۱، و ضریب باز-آزمایی را از ۰/۶۱ تا ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های روان رنجوری ۰/۶۸، برونگرایی ۰/۶۹، گشودگی ۰/۴۵، توافق‌پذیری ۰/۵۰ و وجدانی بودن ۰/۷۷، به دست آمده است.

۲- پرسشنامه شخصیتی شریک ایده‌ال^۳. فیگوردو و همکاران (۲۰۰۶) پرسشنامه شخصیتی شریک ایده‌ال را برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی شریک ایده‌ال افراد تدوین نموده‌اند. این پرسشنامه از پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-FFI، کاستا و مک کری، ۱۹۹۲) که شامل ۶۰

1. Krejcie, & Morgan

2. Costa, & McCrae

3. Ideal Romantic Partner Personality Inventory

پرسش و پنج بعد بزرگ شخصیتی (روان‌رنجوری N، برونگرایی E، گشودگی O، توافق‌پذیری A و وجدانی بودن C) اقتباس شده است، تنها با این تفاوت که در هر سؤال بجای ضمیر اول شخص مفرد (من) از عبارت «دوست دارم شریک ایده ال من» استفاده شده است و تغییرات دستوری لازم آن نیز رعایت گردید. برای مثال، به جای سوال «من آدم نگرانی نیستم»، از سؤال «دوست دارم شریک ایده الم آدم نگرانی نباشد»، استفاده شد. در این پرسشنامه از دانشجویان پرسیده شد «دوست دارید شریک ایده ال شما برای زندگی چه خصوصیتی داشته باشد». در این پرسشنامه هر پنج خرده مقیاس دارای ۱۲ پرسش است و پاسخ به هر یک از پرسش‌ها به صورت لیکرتی از ۱ (قویاً مخالف) تا ۵ (قویاً موافق) می‌باشد. نمره هر خرده مقیاس از جمع ۱۲ پرسش به دست می‌آید. فیگوردو و همکاران (۲۰۰۶) ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای خرده مقیاس‌های روان‌رنجوری ۰/۵۸، برونگرایی ۰/۶۹، گشودگی ۰/۷۷، توافق‌پذیری ۰/۶۲ و وجدانی بودن ۰/۶۴، گزارش داده‌اند. در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های روان‌رنجوری ۰/۶۵، برونگرایی ۰/۶۹، گشودگی ۰/۶۴، توافق‌پذیری ۰/۵۷ و وجدانی بودن ۰/۵۰ به دست آمده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش برای بررسی دو سؤال مطرح شده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل (t-test) و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۱۶ استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۱. ضرایب همبستگی بین سنخ‌های شخصیتی خود با سنخ‌های شخصیتی شریک ایده ال

| متغیرها | | روان- رنجوری | | برونگرایی | | گشاده رویی | | توافق پذیری | | وجدانی بودن | |
|--------------------|--|--------------|------|-----------|------|------------|------|-------------|------|-------------|------|
| سنخ‌های شخصیتی خود | | p | r | P | R | P | r | P | r | p | r |
| و شریک ایده ال | | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۳ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۳ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۷ |

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی افراد با ویژگی‌های شخصیتی شریک ایده ال شان در سنخ‌های شخصیتی روان رنجوری ۰/۴۳، برونگرایی ۰/۶۳، گشاده رویی ۰/۷۰، توافق پذیری ۰/۶۱ و وجدانی بودن ۰/۵۷ به دست آمده است، که که هر یک از ضرایب در سطح آماری $p < ۰/۰۰۱$ معنادارند. بالاترین همبستگی مربوط به سنخ‌های شخصیتی گشاده رویی و برونگرایی است.

جدول ۲. مقایسه پسران و دختران در انتخاب شریک ایده ال مشابه با خود

| ویژگی‌های شخصیتی شریک ایده ال | جنس | | مقدار t | سطح p |
|-------------------------------|----------------------------|----------------------------|---------|-------------|
| | پسران | دختران | | |
| | میانگین \pm انحراف معیار | میانگین \pm انحراف معیار | | |
| روان رنجوری | ۲۹/۷۵ \pm ۶/۱۰ | ۲۶/۶۳ \pm ۵/۹۵ | ۲/۷۱ | $p < ۰/۰۵$ |
| برونگرایی | ۳۷/۲۳ \pm ۴/۸۲ | ۳۸/۷۰ \pm ۴/۳۶ | -۲/۴۱ | $p < ۰/۰۵$ |
| گشودگی | ۳۶/۶۳ \pm ۴/۰۱ | ۳۶/۴۵ \pm ۳/۹۰ | ۰/۱۹۶ | $p = ۰/۷۷۲$ |
| توافق پذیری | ۳۵/۷۵ \pm ۴/۱۹ | ۳۷/۲۶ \pm ۴/۴۳ | -۲/۲۲ | $p < ۰/۰۵$ |
| وجدانی بودن | ۴۲/۰۳ \pm ۳/۱۶ | ۴۳/۲۹ \pm ۴/۵۰ | -۴/۲۲ | $p < ۰/۰۵$ |

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، بین دانشجویان دختر و پسر در تمایل به انتخاب شریک ایده‌آل در سنخ‌های شخصیتی روان رنجوری ($t=2/71, p<0/05$)، برونگرایی ($t=2/41, p<0/05$)، توافق‌پذیری ($t=2-/22, p<0/05$) و وجدانی بودن ($t=-4/22, p<0/05$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد و نه در سنخ شخصیتی گشودگی ($t=0/196, p=0/772$). بنابراین، دختران در مقایسه با پسران دنبال شریکی هستند که کمتر روان رنجور و بیشتر برونگرا، توافقی و وجدانی باشد.

نتیجه‌گیری

یافته اول نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد با ویژگی‌های شخصیتی شریک ایده‌آل‌شان همبستگی مثبت وجود دارد، یعنی، افراد در جستجوی شریکی هستند که از نظر ویژگی‌های شخصیتی مشابه با آن‌ها باشد. این یافته از فرضیه همسان همسری حمایت می‌کند، و با یافته‌های بوتوین و همکاران (۱۹۹۷)، دیجیکسترا و بارلدس (۲۰۰۸) و فیگوردو و همکارانش (۲۰۰۶) هماهنگ می‌باشد. بر طبق فرضیه جذب تشابه^۱ افراد جذب همسری می‌شوند که در زمینه‌های مهمی مشابه با خودشان باشد. به این دلیل فرض می‌شود افراد مشابه جذب همدیگر می‌شوند که اعتقاد و باورهای همدیگر را در مورد دنیا و خودشان تأیید می‌کنند و خطر تعارض را کاهش می‌دهند (موری و گاینس^۲، ۲۰۰۵). تشابه موجب جذب افراد به یکدیگر و سبب برانگیخته شدن عواطف مثبت آنان می‌شود. علاوه بر این، تشابه بیشتر، موجب سازگاری بیشتر نیز می‌شود. هرچه توافق میان دو نفر بیشتر باشد، آنان بیشتر به همدیگر علاقه‌مند خواهند شد. هنگام بروز اختلاف که در واقع ناشی از تفاوت‌هاست، طرفین می‌کوشند با تغییر وضعیت روانی خود، به تشابه و توافق نائل گردند (آذربایجانی، کاویانی، سالاری‌فر، موسوی اصل و عباسی، ۱۳۸۲).

1. Similarity Attraction Hypothesis
2. Morry, & Gaines

از سوی دیگر، افراد در فرهنگ اسلامی و ایرانی به ازدواج با افراد هم کفو و هم شأن تشویق می‌شوند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید با افراد هم کفو و هم شأن خود ازدواج کنید. ازدواج با افراد هم کفو و هم شأن باعث توافق بیش‌تر در زندگی می‌شود زیرا درصد بالایی از اختلافات بین زن و شوهرها در نتیجه مشابه نبودن طرفین در یک شان و طبقه می‌باشد. در همین راستا، شکرکن، خجسته مهر، عطاری، حقیقی و شهنی (۱۳۸۵) نشان دادند که زوج‌های موفق در مقایسه با زوج‌های متقاضی طلاق تشابه شخصیتی بیشتری دارند. در واقع، زوج‌های موفق به جای تفاوت در شخصیت‌شان معمولاً به یکدیگر شباهت دارند و این شباهت در نیازها و شخصیت است که با موفقیت در رابطه زناشویی ارتباط دارد و نه با مکمل بودن نیازهای یکدیگر.

اینکه چرا افراد شریکی مشابه با خود را انتخاب می‌کنند حداقل دو امکان به نظر منطقی می‌رسد اول اینکه افراد ممکن است شباهت در ویژگی‌های شخصیتی را برای خوشبختی زناشویی مهم بدانند، چون مشابهت باعث می‌شود که همسران احساس مهم بودن کنند و ممکن است به این ترتیب موفقیت در رابطه زناشویی را افزایش دهند. امکان دوم این است که یک عامل ذاتی در تشابه ویژگی‌های شخصیتی افراد وجود دارد، که عملاً رابطه زناشویی موفق را فراخوانی می‌کند. بنابراین، افراد هنگامی که از لحاظ ویژگی شخصیتی مشابه باشند، ممکن است برای همدیگر قابل پیش‌بینی‌تر باشند. لذا همین امر سوء تفاهم، تعارض و در نهایت شکست زناشویی را به حداقل می‌رساند.

یافته دیگر نشان داد که بین دختران و پسران در زمینه انتخاب شریک ایده‌آل تفاوت وجود دارد به طوری که، زنان در مقایسه با مردان به شریکی تمایل دارند کمتر روان رنجور و بیشتر برونگرا، توافقی و وجدانی باشد. این یافته‌ها با یافته‌های بوتوین و همکاران (۱۹۹۷)، دیجیکسترا و بارلدس (۲۰۰۸) و فیگوردو و همکاران (۲۰۰۶) یکی است. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که بین زنان و مردان در انتخاب همسر تفاوت وجود دارد. تفاوت در انتخاب شریک ایده‌آل بین زن و مرد را می‌توان با استفاده از دیدگاه تکاملی مورد بررسی قرار داد. طبق

این دیدگاه زنان شریک‌شان را براساس معیارهایی که نشان‌دهنده همسری با منابع کافی در جهت حمایت و کمک به فرزندان و مردان شریک‌شان را بر اساس معیارهایی که نشان‌دهنده همسری در جهت باروری و کیفیات فیزیکی لازم برای موفقیت در به دنیا آوردن فرزندان باشد، انتخاب می‌کنند (گوستاوسون و همکاران، ۲۰۰۸).

علاوه بر آن، طبق نظریه سرمایه‌گذاری والدینی زنان معرف افرادی هستند که سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به مردان در انتخاب همسر انجام می‌دهند. زنان روی ویژگی منابع و مردان روی شاخص‌های نشان‌دهنده سلامتی و باروری متمرکز می‌شوند (شوماک، ۲۰۰۷). به دلیل سرمایه‌گذاری متفاوتی که مردان و زنان در انتخاب همسر انجام می‌دهند، جای تعجب نخواهد بود که زنان در پی شریکی هستند که بیشتر دارای ویژگی‌هایی مثل ثبات هیجانی بیشتر و احساس‌های منفی کمتر (روان‌رنجوری کمتر)، صمیمیت، مردم‌آمیزی، معاشرتی، سهل‌گیری، سرزندگی و پاسخ‌دهندگی بیشتر (برونگرایی)، وظیفه‌شناسی، توانایی کنترل تکانه‌ها و تمایلات، داشتن طرح و برنامه در رفتار، انعطاف‌پذیری، وقت‌شناسی و قابلیت اعتماد بیشتر (وجدانی بودن) و نوع‌دوستی، تواضع، سادگی، سلامت روانی بیشتر (توافق‌پذیری) باشد. در همین راستا، رجبی، عباسی و خجسته‌مهر (۱۳۹۲) نشان دادند زنان در مقایسه با مردان در انتخاب همسر واقع‌بین‌تر و عملگراترند، این افراد شریک‌شان را براساس معیارهای شخصی/والدینی مثل صداقت، صمیمیت، وظیفه‌شناسی، وفاداری به اصول اخلاقی در زندگی و پایبندی به تعهدات و مسئولیت‌پذیری انتخاب می‌کنند که با ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری کمتر و برونگرایی، توافق‌پذیری و وجدانی بودن بیشتر همخوانی دارد.

در نهایت، نتایج این پژوهش از فرضیه همسان همسری براساس ویژگی‌های شخصیتی حمایت می‌کند. براساس این نظریه افراد گرایش به انتخاب فردی مشابه با خود به عنوان همسر بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی دارند. اهمیت این مسأله ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی، علاوه بر عواملی نظیر، زبان، مکان، مذهب، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات به عوامل زیربنایی از جمله ویژگی‌های شخصیتی توجه شود چراکه ازدواج‌هایی از پایداری و سلامت برخوردارند

که هنگام شروع زندگی مشترک، زوجها در ویژگی‌های شخصیتی مشابه باشند. تشابه شخصیتی منجر به تعادل و روابط نسبتاً خوب و موفق می‌شود. تشابه شخصیتی باعث می‌شود که دو شریک بتوانند در کنار یکدیگر به آرامش برسند و یکدیگر را درک کنند. اما آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی یکدیگر در یک رابطه عاطفی سالم نیاز به شناخت بیشتر و مشاوره با درمانگران خانواده دارد.

جامعه آماری پژوهش گروه خاصی از جامعه، یعنی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز ساری است، لذا امکان تعمیم نتایج به کل جامعه با محدودیت روبرو است. با توجه با اینکه این پژوهش روی جامعه دانشجویی انجام شده است، پیشنهاد می‌شود در جامعه‌های دیگر نیز انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، این پژوهش در میان زوجها دارای مشکلات زناشویی انجام شود تا به بررسی دقیق‌تر رویکرد همسان همسری پرداخته شود.

سپاس و قدردانی

در خاتمه، نویسندگان از کلیه دانشجویان که با رضایت کامل پاسخگویی ما بودند، و از کلیه کارمندان آموزش که فرآیند پژوهش را برای ما امکان پذیر نمودند کمال تشکر را دارند.

منابع فارسی

- اردلان، محمدرضا؛ نظری، علی و نصیری، فخرالسادات (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با کنترل خانوادگی کارکنان با سلامت سازمانی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ویژه نامه، ۱: ۹۱-۱۰۱.
- آذربایجانی، مسعود؛ کاویانی، محمد؛ سالاری‌فر، محمدرضا؛ موسوی اصل، سید مهدی و عباسی، اکبر (۱۳۸۲). *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۷). *جامعه شناسی خانواده*. چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه جامع علمی کاربردی.

رجبی، غلامرضا؛ عباسی، قدرت اله و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه نگرش‌های جنسی و سبک‌های عشق ورزی با معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۲، ۴۵: ۱۶۴-۱۴۹.

روشن چلسی، رسول؛ شعیری، محمد رضا؛ عطری‌فر، مهدیه؛ نیکخواه، اکبر؛ قائم مقامی، بهاره و رحیمی راد، اکرم (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های روان سنجی پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو. *دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، ۱۳، ۱۶: ۲۷-۳۶.

زارعی محمود آبادی، حسن (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش بینی کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۴، ۲: ۵۵۴-۵۷۱.

سحابی، جلیل؛ خانی، سعید و خانی، اسعد (۱۳۹۲). الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی؛ مورد مطالعه دانشجویان همسر دار دانشگاه آزاد واحد سنج. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*، ۴، ۱۲: ۷۷-۱۱۲.

شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۳، ۱: ۳۰-۱.

عارفی، مختار؛ محسن زاده، فرشاد؛ قزلباشیان، زهرا؛ صادق پور، آتوسا و شیخ اسمعیلی، دلنیا (۱۳۹۳). همسانی شخصیتی، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۴، ۳: ۵۵۱-۵۶۹.

نیلفروشان، پریسا؛ احمدی، احمد؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمد رضا و قاسمی، وحید (۱۳۹۳). تاثیر همزمان عامل عمومی شخصیت و ابعاد دلبستگی بر کیفیت رابطه زناشویی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۴، ۳: ۴۷۴-۵۰۶.

یوسفی، ناصر و باقریان، مهرنوش (۱۳۹۳). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به عنوان متغیرهای پیش بین زوجین متقاضی و مایل به ادامه زندگی مشترک. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، ۳: ۲۸۴-۳۰۱.

- Botwin MD, Buss DM, Shackelford TK. (1997). Personality and mate preferences: Five factors in mate selection and marital satisfaction. *Journal of Personality*, 65: 107-136.
- Costa PTJ, McCrae RR (1992). *Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Dijkstra P, Barelds DP (2008). Do People Know What They Want: A Similar or Complementary Partner? *Evolutionary Psychology*, 6: 595-602.
- Eagly AH, Wood W (1999). The origins of sex difference in human behavior evolved disposition versus social roles. *American psychologist*, 54: 408-423.
- Escorial S, Martín-Buro C. (2012). The Role of Personality and Intelligence in Assortative Mating. *The Spanish Journal of Psychology*, 15, 2: 680-687.
- Figueredo AG, Sefcek JA, Jones DN. (2006). The ideal romantic partner personality. *Personality and Individual Differences*, 41: 431-441.
- Furnham A (2009). Sex Difference in Mate Selection Preference. *Personality and Individual Differences*. 47:262-267.
- Gustavsson L, Johnsson JL, Uller T (2008). Mixed Support for Sexual Selection Theories of Mate Preferences in the Swedish Population. *Evolutionary Psychology*, 6: 575-585.
- Krejcie RV, Morgan DW. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational And Psychological Measurement*, 30: 607-610.
- Khallad Y. (2005). Mate selection in Jordan: effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22: 155-168.
- Morry MM, Gaines SO. (2005). Relationship satisfaction as a predictor of similarity ratings: A test of the attraction-similarity hypothesis. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 561-584.
- Lucas TW, Wendorf CA, Imamoglu EO, Shen J, Parkhill MR, Weisfeld CC, Weisfeld GE. (2004). Marital satisfaction in four cultures as a function of homogamy, male dominance and female attractiveness. *Sexualities, Evolution & Gender*, 6: 97-130.
- Luo S, Klohnen EC. (2005). Assortative mating and marital quality in newlyweds: A couple-centered approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88(2): 304-326.
- Rammstedt B, Schupp J. (2008). Only the congruent survive—Personality similarities in couples. *Personality and Individual Differences*, 45: 533-535.

- Rusu AS, Bencic A. (2007). Choosing a mate in Romania: Cognitive Evolutionary Psychological Investigation of Personal Advertisements Market. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 7: 27-43.
- Shoemak EG. (2007). Human mate selection theory: an integratedevolutionary and social approach. *Journal of Scientific Psychology*, 50: 11-27.
- Unis SK. (2008). *Effect of religiosity on the selection of life long mate in Pentecostal adult church attendees*. The Degree of Master of Social Work. Smith College School for Social Work Northampton Massachusetts.
- Watson D, Klohnen EC, Casillas A, Simms EN, Haig J, Berry DS. (2004). Match makers and deal breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of Personality*, 72: 1029-1068.